



ارائه تبیین رابطه بین مؤلفه های اقتصادی، قوانین و شفافیت با سودآوری بانکها

عظیم زارع^۱

میر فیض فلاح شمس^۲

غلامرضا زمردیان^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

چکیده

هدف مقاله حاضر، ارائه تبیین رابطه بین مؤلفه های اقتصادی، قوانین و شفافیت با سودآوری بانکها بود. این مقاله از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع داده آمیخته اکتشافی و از لحاظ ماهیت توصیفی-پیمایشی بود. جامعه مورد مطالعه در بخش کیفی مبانی نظری و پیشینه‌های مرتبط داخلی و خارجی و خبرگان دانشگاهی و صاحب‌نظران امور بانکی و در بخش کمی اساتید دانشگاه و مدیران بانکی ایران بود. نمونه در بخش کیفی و تحلیل محتوا، با استفاده از اصل اشباع و نمونه‌گیری هدفمند و در بخش کمی با استفاده از محاسبه حجم نمونه در معادلات ساختاری و روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، تعداد ۲۱۰ نفر انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی، از اسناد کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاری و در بخش کمی، از پرسشنامه محقق ساخته ۹۸ گویه ای استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از تحلیل مضمون و در بخش کمی از آمار توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون، تی تک نمونه‌ای و مدل‌سازی معادلات ساختاری) استفاده شد. نتایج نشان داد مؤلفه های اقتصادی تأثیر معناداری بر سودآوری بانکها دارند.

واژه‌های کلیدی: سودآوری، مؤلفه های اقتصادی، شفافیت.

۱ گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. azimza63@yahoo.com

۲ گروه مدیریت بازرگانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). fallahshams@gmail.com

۳ گروه مدیریت مالی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. gh.zomorodian@gmail.com



۱- مقدمه

سودآوری بانکها به عنوان یکی از شاخص های کلیدی عملکرد مالی، در عصر حاضر به ویژه در شرایط اقتصادی متغیر و چالش های ناشی از بحران های مالی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است (اوزیلی و انداه^۱، ۲۰۲۴). در دنیای امروز، بانکها نه تنها به عنوان نهادهای مالی، بلکه به عنوان بازیگران اصلی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها شناخته می شوند (اوبدا^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). سودآوری بانکها به توانایی این نهادها در ایجاد درآمد بیشتر از هزینه ها و مصارف مالی اشاره دارد. این مفهوم به طور کلی از طریق نسبت های مالی مختلف مانند نسبت سود به دارایی^۳ و نسبت سود به حقوق صاحبان سهام^۴ اندازه گیری می شود. سودآوری بالاتر نشان دهنده عملکرد مثبت بانک در مدیریت منابع مالی و جذب سپرده ها و وام دهی به مشتریان است. همچنین، سودآوری به بانکها این امکان را می دهد که به توسعه و گسترش فعالیت های خود پرداخته و در برابر نوسانات اقتصادی و ریسک های مالی مقاوم تر شوند (هریس^۵ و همکاران، ۲۰۲۰).

در راستای مطالب فوق الذکر بانک های ایرانی با چالش های متعددی در زمینه سودآوری مواجه هستند که شامل نوسانات اقتصادی، نرخ های بالای تورم، و قوانین سخت گیرانه نظارتی می شود. این عوامل نه تنها بر توانایی بانکها در جذب سپرده ها تأثیر می گذارد، بلکه هزینه های عملیاتی و ریسک های اعتباری را نیز افزایش می دهد. همچنین، فقدان شفافیت در اطلاعات مالی و عملیاتی می تواند به کاهش اعتماد مشتریان و سرمایه گذاران منجر شود، که خود عامل مهمی در کاهش سودآوری بانکها به شمار می آید (رحمانی و همکاران، ۱۴۰۲). علاوه بر این، رقابت شدید بین بانکها و مؤسسات مالی غیر بانکی و همچنین تغییرات سریع در فناوری های مالی (فین تک) به چالش های جدیدی برای بانکها تبدیل شده است. این تغییرات نیاز به نوآوری و بهبود در خدمات و محصولات بانکی را افزایش داده و در عین حال، تأثیر منفی بر سودآوری بانکها در کوتاه مدت دارد (لی و انگو^۶، ۲۰۲۰). به همین دلیل، پرداختن به این مسائل و چالش ها در راستای بهبود سودآوری بانکها ضروری است.

به دلیل چالش های بی پایان و پیچیده ای که بانکها در ایران با آن مواجه هستند، پرداختن به موضوع پژوهش از اهمیت بسزایی برخوردار است. با توجه به نوسانات اقتصادی و تغییرات سریع در قوانین بانکی، درک چگونگی تأثیر این عوامل بر سودآوری بانکها می تواند به شناسایی راهکارهای مؤثر برای بهبود عملکرد مالی این نهادها کمک کند. همچنین، شفافیت در اطلاعات مالی به عنوان یکی از عوامل کلیدی در ایجاد اعتماد و جذب مشتریان، نیاز به توجه بیشتری دارد (جلالی نظری و همکاران، ۱۴۰۲). علاوه بر این، چالش های موجود

^۱ - Ozili & Ndah

^۲ - Úbeda

^۳ - ROA

^۴ - ROE

^۵ - Haris

^۶ - Le & Ngo

در زمینه سودآوری بانکها نه تنها بر عملکرد مالی این نهادها تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به تبعات اجتماعی و فرهنگی نیز منجر شود. به عنوان مثال، کاهش سودآوری بانکها می‌تواند به کاهش توانایی آنها در تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری‌های کلان منجر شود که در نهایت به افت رشد اقتصادی و افزایش بیکاری خواهد انجامید (رجائی باغ سیائی و صفائی ایلخچی، ۱۴۰۰). این موضوع به ویژه در شرایطی که اقتصاد کشور در حال گذر از بحران‌های مالی است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

در نهایت، دغدغه پژوهشگر به این موضوع معطوف است که با بررسی دقیق عوامل مؤثر بر سودآوری بانکها، بتواند به شناسایی راهکارهایی برای حل مشکلات موجود در این زمینه بپردازد. این مسائل نه تنها بر جنبه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارند، بلکه می‌توانند به تغییرات روانشناختی در نگرش مشتریان نسبت به بانکها و خدمات مالی منجر شوند. به همین دلیل، شناخت و تحلیل این چالش‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت کلی نظام بانکی و افزایش رضایت مشتریان و سرمایه‌گذاران کمک کند.

مؤلفه‌های اقتصادی، قوانین و شفافیت به عنوان عوامل کلیدی در بهبود و افزایش سودآوری بانکها شناخته می‌شوند. به عنوان مثال، افزایش نرخ رشد اقتصادی می‌تواند منجر به افزایش تقاضا برای وام‌ها و خدمات بانکی شود که در نهایت به افزایش درآمدهای بانکها منجر می‌گردد (نیکولتی و ژو^۱، ۲۰۲۳). همچنین، وجود قوانین مناسب که از رقابت سالم و نوآوری در صنعت بانکداری حمایت کند، می‌تواند به جذب بیشتر سپرده‌ها و کاهش هزینه‌های عملیاتی کمک کند. شفافیت نیز به عنوان یک عامل مهم در ایجاد اعتماد در بین مشتریان و سرمایه‌گذاران، می‌تواند به بهبود تصویر عمومی بانکها و افزایش سودآوری آنها منجر شود (گراپ^۲ و همکاران، ۲۰۲۴).

ضرورت پاسخ به مسائل و چالش‌های فوری در حوزه پژوهش از جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از اهمیت بالایی برخوردار است. با توجه به اینکه اعتماد عمومی بر اساس شفافیت و عملکرد مثبت بانکها شکل می‌گیرد، بررسی این مؤلفه‌ها می‌تواند به تقویت فرهنگ مالی و سرمایه‌گذاری در جامعه کمک کند. از جنبه اجتماعی، بانکها نقش کلیدی در تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای و ایجاد اشتغال دارند. در شرایطی که اقتصاد کشور با چالش‌های جدی مواجه است، سودآوری بانکها می‌تواند به تأمین منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاری‌های کلان و پروژه‌های اجتماعی منجر شود. بنابراین، شناسایی عوامل مؤثر بر سودآوری و بهبود شرایط بانکها می‌تواند به کاهش بیکاری و افزایش رفاه اجتماعی کمک کند. در نتیجه، توجه به این مسائل می‌تواند تأثیرات مثبتی بر ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور داشته باشد (کاپویانی و تلیکانی، ۱۴۰۱). از جنبه اقتصادی و سیاسی، سودآوری بانکها به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام مالی کشور به شمار می‌آید. در شرایطی که کشور با تحریم‌ها و نوسانات اقتصادی مواجه است، بهبود سودآوری بانکها می‌تواند به تقویت ثبات اقتصادی و کاهش وابستگی به منابع خارجی کمک کند. همچنین، تحلیل دقیق مؤلفه‌های اقتصادی و

^۱ - Nicoletti & Zhu

^۲ - Gropp

قوانین می‌تواند به سیاست‌گذاران این امکان را بدهد که تصمیمات بهتری در زمینه تنظیم مقررات و نظارت بر بانکها اتخاذ کنند (زارع، ۱۴۰۳). در نهایت، پرداختن به این مسائل می‌تواند به تقویت جایگاه بانکها در اقتصاد کشور و افزایش کارایی نظام مالی منجر شود.

در نهایت می‌توان گفت، نتایج این پژوهش می‌تواند به طیف وسیعی از بهره‌وران و ذی‌نفعان کمک کند. مدیران بانکها و مؤسسات مالی می‌توانند از یافته‌های این تحقیق برای بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری و استراتژی‌های مالی خود استفاده کنند. همچنین، سیاست‌گذاران و نهادهای نظارتی می‌توانند با بهره‌گیری از نتایج این پژوهش، قوانین و مقررات بانکی را به گونه‌ای بهبود دهند که به افزایش شفافیت و سودآوری بانکها منجر شود. علاوه بر این، پژوهشگران و دانشجویان در حوزه‌های مرتبط با بانکداری و مالی می‌توانند با استفاده از این تحقیق به توسعه مطالعات خود پرداخته و به پیشرفت علم و دانش در این حوزه کمک کنند. در نهایت، مشتریان و سرمایه‌گذاران نیز با افزایش شفافیت و بهبود عملکرد بانکها، بهبود شرایط مالی و اقتصادی را تجربه خواهند کرد. بنابراین با توجه به شرایط متغیر اقتصادی و افزایش رقابت در صنعت بانکی، اهمیت پرداختن به این موضوعات و یافتن راهکارهای مؤثر برای بهبود سودآوری بانکها بیش از پیش احساس می‌شود. لذا هدف پژوهش حاضر تبیین رابطه بین مؤلفه‌های اقتصادی، قوانین و شفافیت با سودآوری بانکها است.

۱) مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سودآوری یک جنبه حیاتی برای هر واحد تجاری از جمله بانکها است. برای مؤسسات مالی، سودآوری نه تنها برای پایداری آنها ضروری است، بلکه شاخصی برای سلامت و کارایی کلی آنهاست. عوامل متعددی بر سودآوری بانک تأثیر می‌گذارند، از شیوه‌های مدیریت داخلی گرفته تا شرایط اقتصادی خارجی. (دریس^۱، ۲۰۲۱)

از منظر نظری، گفته می‌شود بانکهای سودآور نسبت به ریسک بیشتر تمایل دارند، زیرا در صورت تحقق ریسک منفی، ارزش بیشتری را از دست می‌دهند. علاوه بر این، بانکهای سودآورتر می‌توانند سرمایه اصلی خود را افزایش داده و دوام خود را تضمین کنند. با این حال، این دیدگاه غالباً با مبادله ریسک و بازده در تضاد است که بر اساس آن سود بیشتر تنها در صورتی رخ می‌دهد که سرمایه‌گذاران مایل به پذیرش احتمال زیان باشند. از منظر تجربی، ادبیات شواهد مختلفی در مورد تأثیر سودآوری بر مشکلات بانکی ارائه کرده است. به عنوان مثال، در حالی که مطالعات ایالات متحده مستعد حمایت از یک رابطه منفی بین سودآوری بانک و شکست بانک هستند، تحقیقات به طور توافقی از این دیدگاه حمایت نمی‌کند که سودآوری بیشتر باعث کاهش وقوع مشکل بانکی می‌شود. برخی از محققین شواهدی از تأثیر منفی پیدا کردند هانتینگتون^۲ (۲۰۱۴) مشاهده کردند که نرخ بازده حقوق صاحبان سهام^۳ برای توضیح مشکلات بانکی معنی

¹ Deris

² Hantingtone

³ ROE

دار نیست در حالی که تاثیر نرخ بازده داراییها^۱ قابل توجه و مثبت است، که نشان می دهد سودآوری حتی باعث تشدید ناراحتی بانک می شود. فرضیه ای وجود دارد که سودآوری بانک از کارایی بازار حاصل می شود. یعنی بانک ها با کارایی بالاتر، توانایی بیشتری برای افزایش سهم بازاری و در نتیجه اندازه شان دارند. که این کارایی منجر به تمرکز بیشتر و رقابت کمتر و در نتیجه سودآوری بیشتر خواهد شد. به این ترتیب در جایی که رقابت بیشتر است، مدیران سیستم بانکی انگیزه ی بیشتری برای بهبود کارایی دارند بنابراین کاهش هزینه ناشی از بهبود کارایی، سودآوری بیشتر سیستم بانکی را در پی خواهد داشت (فطرس و همکاران، ۱۳۹۷). فرضیه دیگری به نام فرضیه زندگی آسوده وجود دارد که عنوان می کند، هر چه قدرت بازار بانک بیشتر باشد، کارایی عملکرد کمتر خواهد بود. زیرا مدیران با خیال آسوده، سود انحصاری را تصاحب کرده و تلاش قابل ملاحظه ای انجام نمی دهند. (انگجی، ۱۴۰۱). تئوری نسبت هزینه به درآمد بر رابطه بین هزینه های عملیاتی بانک و درآمد آن تمرکز دارد. این نشان می دهد که سودآوری یک بانک به طور مثبت تحت تاثیر حفظ نسبت هزینه به درآمد پایین است. نسبت هزینه به درآمد پایین تر نشان می دهد که یک بانک به طور موثر هزینه های خود را در رابطه با درآمد خود مدیریت می کند و منجر به سود بیشتر می شود. اقدامات موثر کنترل هزینه و بهینه سازی کارایی عملیاتی اجزای کلیدی این نظریه است. (الکداگ و همکاران، ۲۰۲۰).

تئوری ریسک اعتباری بر تاثیر شیوه های مدیریت ریسک اعتباری بانک بر سودآوری تأکید دارد. بانکها از فعالیت های وام دهی خود درآمد بهره به دست می آورند، اما این منبع درآمد در معرض ریسک اعتباری است، زیرا وام گیرندگان ممکن است وام های خود را نکول کنند. ارزیابی و مدیریت موثر ریسک اعتباری می تواند احتمال نکول وام و دارایی های غیر قابل اجرا را کاهش دهد و در نتیجه سودآوری بانک را افزایش دهد. (نایلی و لاریچی، ۲۰۲۲).

بنابراین سودآوری بانک مفهومی چند وجهی است که تحت تاثیر عوامل متعدد داخلی و خارجی قرار دارد. بانک های موفق اهمیت رویکرد کل نگر، شامل مدیریت ریسک مؤثر، کنترل محتاطانه هزینه، تخصیص کارآمد سرمایه و یکپارچه سازی فناوری برای بهینه سازی سودآوری خود را تشخیص می دهند. با تطبیق مستمر با شرایط متغیر اقتصادی و بازار، بانک ها می توانند شکوفا شوند، خدمات بهتری به مشتریان ارائه کنند و برای ذینفعان خود ارزش ایجاد کنند. (الکداگ و همکاران، ۲۰۲۰).

فساد مالی که به عنوان کلاهبرداری مالی یا جرایم یقه سفید نیز شناخته می شود، یک موضوع جدی جهانی است که پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قابل توجهی دارد. این شامل فعالیت های غیرقانونی یا غیراخلاقی است که منابع مالی را برای منافع شخصی فریب می دهند، دستکاری می کنند یا اختلاس می کنند

¹ ROA

² Elekdag et al.

³ Naili & Lahrichi

⁴ Alec Dagg et al.

که منجر به عواقب شدید برای افراد، سازمانها و اقتصاد می شود. در سطح اقتصاد خرد، فساد به طور کلی با کیفیت نهادی و حکمرانی پایین، مؤسسات ناکارآمد از نظر عملکرد و هزینه های بالاتر کسب و کار همراه است. تانر و همکاران^۱ (۲۰۲۲) استدلال می کنند که همبستگی و فساد می تواند با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین وام گیرندگان و وام دهندگان، بر تخصیص اعتبار تأثیر منفی بگذارد و باعث شود که نرخ وام دهی بالاتر از نرخ بدون فساد باشد. همچنین نظریه تأثیر نظارت ناکافی بر فساد مالی بانکها: این نظریه بر این اصل تأکید دارد که وجود نظارت ناکافی بر عملکرد بانکها، فرصت های فساد مالی را ایجاد می کند. نظارت ناکافی می تواند به دلیل ضعف ساختار نظارتی، عدم شفافیت و کنترل های ضعیف باشد. این نظریه معتقد است که وجود نظارت مناسب و قوی بر عملکرد بانکها، از جمله نظارت مرکزی و نظارت خصوصی، می تواند فساد مالی را کاهش دهد. (الکداگ و همکاران^۲، ۲۰۲۰). بانک جهانی (۲۰۰۰)، مطرح می کند که یک راهبرد مبارزه با فساد باید: (۱) رانتها را به وسیله آزادی اقتصادی، کاهش مقررات، ساده سازی قوانین مالیاتی، انحصارزدایی و تثبیت اقتصاد کلان، از بین ببرد.

(۲) اختیارات خودسرانه را از طریق اصلاح بخش اجرایی و اداری از جمله شایسته گزینی و تمرکز زدایی کاهش دهد.

(۳) قابلیت پاسخگویی و مسئولیت پذیری را با روش های زیر افزایش دهد:

- تاسیس نهادهایی مانند حسابرسی و حسابداری
 - اصلاحات قانونی نظیر تقویت قضایی
 - تشویق نظارت عمومی از طریق مجلس و جامعه ی مدنی هوشیارتر و حساس تر
- علل و پیامدهای فساد مالی به هم مرتبط هستند و ممکن است در زمینه ها و کشورهای مختلف متفاوت باشند. راهبردهای مؤثر برای مبارزه با فساد مالی نیازمند رویکردی چند رشته ای، از جمله اصلاحات قانونی، بهبود حکمرانی، افزایش شفافیت و ارتقای رفتار اخلاقی در تمام سطوح جامعه و سازمانها است. فساد مالی می تواند اثرات منفی شدیدی بر سودآوری بانکها داشته باشد. فساد در بخش مالی، یکپارچگی بانکها را تضعیف می کند، اعتماد عمومی را از بین می برد و خطرات سیستمی را ایجاد می کند که می تواند منجر به بحران های مالی شود. برای حفظ سودآوری، بانکها باید کنترل های داخلی قوی، اقدامات ضد فساد و شیوه های تجاری اخلاقی را در اولویت قرار دهند. علاوه بر این، تنظیم کننده ها نقش مهمی در اجرای قوانین ضد فساد، تضمین شفافیت و تقویت یک سیستم مالی سالم و قابل اعتماد دارند. (تانر^۳ و همکاران، ۲۰۲۲). آزادی اقتصادی یک مفهوم اساسی در علم اقتصاد است که به میزان استقلال افراد و مشاغل در تصمیم گیری های اقتصادی خود، فارغ از دخالت دولت و مقررات بیش از حد مربوط می شود. این مفهوم حقوق مالکیت، حاکمیت

¹ Tanner

² Elekdag

³ Tanner

قانون، تجارت آزاد، پول سالم و دولت محدود را در بر می گیرد. مفهوم آزادی اقتصادی ریشه در اندیشه اقتصادی لیبرال کلاسیک با اقتصاددانان با نفوذی مانند آدام اسمیت^۱ و فردریش هایک^۲ که از مداخله محدود دولت و فضایل بازارهای آزاد دفاع می کنند دارد. در سال های گذشته، بخش بانکداری ایران تحولات مهمی را از قبیل صدور مجوز بانک های خصوصی، تاسیس موسسات مالی متعدد و واگذاری بخشی از سهام بانک های دولتی به بخش خصوصی، تجربه کرده است که این شرایط جدید تلاش جدی برای بهبود عملکرد بانک ها را می طلبد. حال نظریه آزادی اقتصادی بر این اصل تأکید دارد که آزادی اقتصادی، به عنوان یک شرط ضروری برای رشد و توسعه اقتصادی، می تواند تأثیر مثبت بر اقتصاد یک کشور داشته باشد. آزادی اقتصادی شامل عدم وجود محدودیت ها و مانع ها در حوزه تجارت، سرمایه گذاری، قوانین کار و تنظیمات دولتی است. این نظریه معتقد است که با افزایش آزادی اقتصادی، رقابت و نوآوری افزایش می یابد و این منجر به رشد و توسعه اقتصادی می شود. (بلتر^۳، ۲۰۲۲).

در حالی که اعتقاد بر این است که آزادی اقتصادی باعث رونق کلی اقتصادی می شود، تأثیر آن بر نابرابری درآمد همچنان موضوع بحث است. آزادی اقتصادی و نابرابری درآمد دو مفهوم به هم پیوسته هستند که پیامدهای مهمی برای توزیع ثروت و فرصت ها در یک جامعه دارند. فراتر از رشد اقتصادی، آزادی اقتصادی اغلب با بهبود شاخص های مختلف توسعه انسانی، مانند امید به زندگی، آموزش و دسترسی به خدمات اساسی همراه است. مقررات بانکها شامل انواع مختلفی از قوانین، قوانین و دستورالعمل هایی است که توسط مقامات دولتی و نهادهای نظارتی برای نظارت و کنترل بر فعالیتهای بانکها وضع می شود. هدف اصلی مقررات بانک ها تضمین ایمنی و سلامت سیستم مالی، حمایت از مصرف کنندگان است. مقررات بانکی هم بر سودآوری بانک ها تأثیر بسزایی دارد. چارچوب نظارتی قوانین و استانداردهایی را ایجاد می کند که بانکها باید به آنها پایبند باشند و بر عملیات، شیوه های مدیریت ریسک و عملکرد کلی آنها تأثیر بگذارد. محدودیت های نظارتی بر فعالیتهای و سرمایه گذاری های خاص می تواند توانایی بانکها را برای مشارکت در سرمایه گذاری های با ریسک بالاتر و بالقوه سودآورتر محدود کند (لی و همکاران، ۲۰۲۱).

شفافیت به جریان اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به موقع و قابل اعتماد اشاره دارد که برای همه ذینفعان مربوطه قابل دسترسی باشد. بنابراین در مورد استفاده سرمایه گذاران خصوصی از وام ها و اعتبار وام گیرندگان است. در مورد حساب های حسابرسی شده صحیح موسسات کلیدی دولتی، خصوصی و چند ملیتی، در مورد فرآیند بودجه و داده های دولت، در مورد آمارهای پولی و واقعی اقتصاد از بانک مرکزی و ارائه خدمات دولتی، در مورد افشای مالی سیاسی و مبارزات انتخاباتی و در مورد سوابق رای گیری نمایندگان مجلس و همچنین در مورد فعالیت های نهادهای بین المللی. برعکس، عدم شفافیت زمانی رخ می دهد که یک نماینده

¹ Adam Smith

² Friedrich Hayek

³ Blatter

خواه یک وزیر دولت، یک مؤسسه عمومی، یک شرکت یا یک بانک، عمداً اطلاعات نادرست ارائه کند، یا عدم اطمینان از اینکه اطلاعات ارائه شده به موقع و از ارتباط یا کیفیت کافی برخوردار است (آنارفو^۱، ۲۰۲۰).

پیشینه پژوهش های داخلی

شایگانی و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان ثبات در بخش بانکی اقتصاد ایران، انجام دادند. آنها به بررسی داده های بانکی در طی سال های ۱۳۸۰-۱۳۸۷، با استفاده از روش پانل پویا پرداختند. نتایج نشان داد که همه بانک های ایران از ثبات مالی کمی برخوردارند. همچنین عوامل موثر بر ثبات مالی بانک های دولتی و خصوصی یکسان نیست. علاوه بر این ذالبگی دارستانی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر ثبات در شبکه بانکی، انجام دادند. او داده های شبکه بانکی ایران را در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ با استفاده از روش برآوردگرهای تعمیم یافته مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. نتایج نشان داد وام دهی بانک ها بر ثبات بانکی معنادار دارد و مطالبات معوق بر ثبات بانکی تأثیر منفی دارد. نسبت بازدهی سرمایه در کشور و وام دهی دارای ضریب به عنوان متغیر سودآوری بر ثبات بانکی در شبکه بانکی کشور تأثیر معنادار دارد. همچنین شاهچراغ و جوزانی (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان تنوع پذیری درآمدها و تاثیر آن بر سودآوری شبکه بانکی، انجام دادند. آنها با استفاده از روش اقتصادسنجی داده های تابلویی پویا با توجه به ۲۵ بانک فعال در شبکه بانکی کشور و از سال (۱۳۸۵-۱۳۹۲) به بررسی این موضوع پرداختند. نتایج نشان داد که بازدهی دارایی ها و درآمدهای غیر بهره تاثیر مثبت و معنا دار بر سودآوری دارد و کیفیت سرمایه تاثیر منفی و معنادار بر کیفیت سرمایه دارد. همچنین مهریان پور و همکاران (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان عوامل موثر بر سود آوری بانک به بررسی بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام دادند. آنها در پژوهش خود به تجزیه و تحلیل داده های بانکی در طی سال های ۱۳۸۸-۱۳۹۳ با استفاده از رگرسیون ترکیبی پرداختند. نتایج نشان داد که بین کیفیت دارایی ها، رشد اقتصادی، تنوع درآمدی و سودآوری بانک رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. علاوه بر این فطرس و همکاران (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان عوامل تعیین کننده سودآوری در نظام بانکی ایران با تاکید بر ساختار بازار و رفتار ریسک پذیری انجام دادند. آنها به بررسی نظام بانکی ایران در طی سال های ۱۳۸۲-۱۳۹۳، با استفاده از روش پانل پویا و روش حداقل مربعات تعمیم یافته پرداختند. نتایج نشان داد که افزایش تمرکز و عامل ریسک به ترتیب اثر مثبت و منفی بر سودآوری داشته است.

در این راستا قائمی اصل و همکاران (۱۳۹۸)، پژوهشی با عنوان تاثیر فساد اداری بر سلامت مالی در نظام بانکی ایران انجام دادند. آنها به بررسی ۲۱ بانک فعال در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال های ۱۳۸۶-۱۳۹۵ با استفاده از برآوردگرهای تعمیم یافته پرداختند. نتایج نشان داد فساد اداری منجر به کاهش سودآوری بانک ها می شود. همچنین فرخی و همکاران (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط شفافیت با رقابت

¹ Anarfo

پذیری بانک‌ها و نقدینگی و بازده بازار در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام دادند. آنها به بررسی داده‌های ۳۰ بانک در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۷ با استفاده از برآوردهای تعمیم یافته پرداختند. نتایج نشان داد که بین شفافیت ناشی از ارتباط سطح شفافیت اطلاعات مالی و رقابت بانکی، نزدیک به سطح اطمینان ۹۵ درصد ارتباط معنادار و مثبت وجود دارد. همچنین شکوه و همکاران (۱۴۰۰)، پژوهشی با عنوان تأثیر راهبرد شفافیت، شاخص فساد و ویژگی‌های بانکی بر شاخص رقابت در بانک‌های منتخب بررسی انجام دادند. آنها به بررسی شاخص رقابت در طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۷ با استفاده از روش داده‌های تابلویی پرداختند. نتایج نشان داد شفافیت بر افزایش رقابت پذیری تأثیر مثبت و معنادار دارد و فساد اداری باعث کاهش رقابت پذیری می‌شود.

فلاحی و همکاران (۱۴۰۱)، پژوهشی با عنوان سازوکار اثرگذاری جهش نرخ ارز و بحران مالی جهانی بر ثبات مالی سیستم بانکداری دولتی با بهره‌گیری از مدل گیرتون و روپر انجام دادند. آنها با استفاده از الگوی اقتصادسنجی تغییر رژیم مارکوف سوئیچینگ، طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۷ به بررسی اثر پذیری ثبات مالی از جهش نرخ ارز و بحران مالی پرداختند. نتایج نشان داد، میزان مواجهه اقتصاد با دوران رکود برای بازه زمانی مورد بررسی در تحقیق حاضر ۱۸ دوره در مقابل ۱۶ دوره رونق می‌باشد. عدم ثبات سیاسی، اقتصادی، وقوع شوک، نوسانات و جهش ارزی اثر منفی بر ثبات بانکی دارد، ریسک سرمایه‌گذاری بلندمدت را افزایش داده و اطلاعات قیمتی را مخدوش می‌کند و حتی موجب فرار سرمایه می‌شود. در چنین شرایطی، ترکیب سرمایه‌گذاری به نفع فعالیت‌های سوداگرانه که بازدهی آنی دارند و به زیان سرمایه‌گذاری مولدند، تغییر می‌یابد. از طرف دیگر افشاری و همکاران (۱۴۰۲)، پژوهشی با عنوان بررسی اثر شاخص‌های توسعه بخش بانکی بر ثبات بانک‌های ایرانی، با تأکید بر عامل کارایی، انجام دادند. آنها با استفاده از اطلاعات ۳۰ بانک و موسسه اعتباری در طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۸ به روش داده‌های تابلویی به بررسی ارتباط ۱۷ متغیر شناسایی شده پرداختند. نتایج نشان داد رابطه‌ی غیر خطی بین عامل ثبات با ۹ عامل نسبت مطالبات به کل تسهیلات، حقوق صاحبان سهام به کل بدهی‌ها، داراییهای ثابت به کل داراییها، میزان ثبات دوره قبل، موجودی نقد به کل دارایی‌ها، اندازه بانک‌ها، سرمایه به بدهی‌ها، نرخ رشد تسهیلات و کارایی وجود دارد.

لکی و باقری پرمهر (۱۴۰۲) پژوهشی را با عنوان "بررسی نقش تحریم‌های اقتصادی بر تعامل شاخص سلامت بانکی و سودآوری بانک‌ها" انجام دادند. در پژوهش حاضر، تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر رابطه میان شاخص سلامت بانکی و سودآوری بانک‌ها، طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ با روش رگرسیون داده‌های تابلویی بررسی شده است. افزون بر این، به بررسی اثر برخی از متغیرهای کلان اقتصادی، مانند میزان رشد اقتصادی، میزان تورم و نقدینگی بر سودآوری بانک‌ها پرداخته شده است. بر اساس نتایج مشخص شد که تحریم‌ها، بر رابطه بین شاخص سلامت بانکی و سودآوری بانک‌ها اثر منفی و معناداری گذاشته‌اند. از یافته‌های مهم دیگر اینکه متغیرهای کلان اقتصادی به کار رفته در پژوهش، به‌استثنای متغیر نقدینگی که اثر معناداری بر سودآوری بانک‌ها نداشت، بر سودآوری بانک‌ها اثر مثبت و معناداری گذاشته است.

پژوهش‌های خارجی

لین و رووی^۱ (۲۰۰۵) پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر سودآوری بانک های چین، با استفاده از روش پانل دیتا برای بانک های دولتی چین طی دوره ۲۰۰۱-۱۹۹۷ انجام دادند. آنها دریافتند ارتباط بین نسبت بدهی و سودآوری به معیار اندازه گیری سودآوری بستگی دارد. همچنین آتاناسوقلو و همکاران^۲ (۲۰۰۸)، پژوهشی با عنوان بررسی عوامل تاثیرگذار بر سودآوری بانکی انجام دادند، آنها به بررسی بخش بانکداری یونان در طی سال های ۱۹۸۵-۲۰۰۱، با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته پرداختند. نتایج نشان داد که سرمایه، رشد بهره وری، ریسک اعتباری و مدیریت مخارج عملیاتی اثر معنی داری بر سودآوری بانک ها دارد. علاوه براین، هفرنان و فو^۳ (۲۰۱۰)، پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری انجام دادند، آنها به بررسی عملکرد بانک های دولتی در طی سال های ۱۹۹۹-۲۰۰۶ با استفاده از برآوردگر گشتاورهای تعمیم یافته دو مرحله ای و اثرات ثابت پرداختند. نتایج نشان داد که بانک هایی با کارایی بالاتر، عملکرد بهتری داشته اند و همچنین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و بیکاری، اثر معنی داری بر سودآوری بانکی داشته است. در این راستا آبريوم^۴ (۲۰۱۰)، پژوهشی با عنوان تاثیر فساد بر سودآوری بانک های نیجریه انجام داد، او به بررسی سودآوری بانک های نیجریه با استفاده از داده های پانل از ۳۵۸ مشاهده از ۴۸ بانک نیجریه در طی سال های ۱۹۹۶-۲۰۰۶ با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی پرداخت. نتایج نشان داد، فساد تاثیر مثبت و معناداری بر سودآوری بانک های نیجریه دارد

دیتریخ و رانزن رید^۵ (۲۰۱۱)، نیز پژوهشی با عنوان بررسی سودآوری بانکی انجام دادند، آنها به بررسی بخش بانکداری سوییس در طی سال های ۱۹۹۹-۲۰۰۹، با استفاده از روش برآوردگرهای تعمیم یافته دو مرحله ای پرداختند. نتایج نشان داد که بانک ها با فعالیت متنوع تر از سودآوری بالاتری برخوردارند. همچنین سینها و همکاران^۶ (۲۰۱۴) پژوهشی عنوان بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری و ثبات در بانک های هندی انجام دادند. در چارچوب روش پانل دیتا برای دوره ی زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۰ از فرضیه ساختار- رفتار- عملکرد به دلیل اینکه بخش بانکداری هند از تبدیل شدن به یک صنعت کاملاً رقابتی دور است حمایت می کند و بیان می کند بین درجه ی تمرکز و سودآوری بانک رابطه ی مستقیم و معنادار وجود دارد. سود بانکی و رشد اقتصادی اثر مثبت و معنادار بر سودآوری بانک ها دارند. در حالی که افزایش تورم و ریسک اعتباری اثر منفی و معنادار بر سودآوری بانک ها دارند. علاوه بر این بوگاتیف (۲۰۱۵)، پژوهشی با عنوان تاثیر فساد بر سلامت بانکی انجام داد. او در پژوهش خود به بررسی سلامت بانک های اسلامی در طی سال های ۲۰۰۰-۲۰۱۰ با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته

¹ Line and Rowe.

² Athanasoglou et al

³ Heffernan & Fu

⁴ Aburime

⁵ Dietrich & Wanzenried

⁶ Sinha et al.

پرداخت. او در پژوهش خود شاخص درک فساد برای اندازه گیری سطح فساد در کشورهای در حال مطالعه استفاده کرد. نتایج نشان داد که فساد به طور قابل توجهی مشکلات در مطالبات غیر جاری بانک ها را تشدید می کند. از طرف دیگر آلبولسکو^۱ (۲۰۱۵)، پژوهشی با عنوان عوامل تعیین کننده سودآوری در بانک های آمریکای مرکزی و جنوبی انجام داد. او به بررسی سودآوری بانک های آمریکا، در طی سال های ۲۰۰۵-۲۰۱۳ با استفاده از مدل اثرات ثابت پرداخت، نتایج بیانگر اثر مثبت نرخ بهره بر سودآوری بود.

کاروالو و پاگلیسی^۲ (۲۰۱۶)، پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر شوک هایی کلان اقتصادی بر روی ثبات مالی بانکی و قیمت مسکن در ونزوئلا انجام دادند. آنها به بررسی ثبات مالی بانکی در طی سال های ۱۹۹۰-۲۰۱۳ پرداختند. آنها از یک الگو تصحیح خطای عاملی برای بررسی تأثیر شوک هایی کلان بر بی ثباتی بانکی و قیمت مسکن استفاده کردند. نتایج نشان داد که رشد تولید ناخالص بانکی باعث ایجاد بی ثباتی مالی بانکی شده و افزایش قیمت مسکن را در پی دارد همچنین سیاست های مالی و نرخ ارز نیز تأثیر مستقیم بر بی ثباتی مالی بانکی دارد. همچنین بوگاتیف^۳ (۲۰۱۷)، پژوهشی با عنوان تأثیر فساد بر سودآوری بانک های تجاری تونس انجام داد. او به بررسی سودآوری بانک های تونس در طی سال های ۲۰۰۳-۲۰۱۴ با استفاده از روش داده های تابلویی پرداخت. نتایج رابطه ی مثبت بین سطح فساد و سودآوری بانک ها را نشان داد. همچنین نشان داد که فساد در نتیجه عدم وجود رقابت شدید بین بانک ها و فساد موجود در وام دهی که منجر به افزایش هزینه وام برای وام گیرندگان می شود تأثیر بسیاری بر سودآوری بانک داشته است. علاوه بر این برمی و همکاران^۴ (۲۰۱۸)، پژوهشی با عنوان آیا کیفیت نهادی بر مقررات و ثبات بانکی تأثیر دارد؟ انجام دادند. آنها در پژوهش خود از داده های ۱۰۵۰ بانک تجاری از ۶۹ اقتصاد نوظهور و در حال توسعه در طی سال ها ۲۰۰۴-۲۰۱۳ استفاده کردند. نتایج پژوهش آنها با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته نشان داد شرایط کیفیت نهادی بر سودآوری تأثیر گذار است. از طرف دیگر لی و نگو^۴ (۲۰۲۰)، پژوهشی با عنوان تعیین سودآوری بانک انجام دادند، آنها به بررسی سودآوری سیستم بانکی ۲۳ کشور در طی سال های ۲۰۰۲-۲۰۱۶ با استفاده از روش سیستمی تعمیم یافته لحظه ای پرداختند. یافته ها نشان داد که تعداد کارت های بانکی صادر شده، تعداد دستگاه های خودپرداز و تعداد پایانه های نقطه فروش می تواند سودآوری بانک را بهبود بخشد. همچنین یافته ها تأثیر منفی قدرت بازار بر سودآوری بانک ها را نشان می دهد. علاوه بر این، رابطه مثبت بین توسعه بازار سرمایه و سودآوری بانک ها نشان می دهد که آنها باید مکمل یکدیگر در نظر گرفته شوند.

دریس و همکاران^۵ (۲۰۲۱)، پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر اصلاحات نظارتی بر ساختار هزینه، مالکیت و رقابت در صنعت بانکداری مالی انجام دادند. آنها به بررسی روابط بین این متغیرها با استفاده از داده های

¹ Albulescu

² Carvallo & Pagliacci

³ Bougatef

⁴ Le & Ngo

⁵ Driss et al

بانک های بخش دولتی، بخش خصوصی و بانک های خارجی با استفاده از روش تخمین پانل پویا و روش گشتاورهای تعمیم یافته پرداختند. نتایج نشان می دهد که رابطه کارآیی هزینه مالکیت تحت تاثیر اصلاحات است. تجزیه و تحلیل پویایی رقابت در بازار وام نشان می دهد که با وجود قوانین نظارتی محکم، رقابت قوی در بازار وام وجود دارد. مقررات زدایی در برخی از کشورها باعث افزایش کارآیی می شود. همچنین یوان و همکاران^۱ (۲۰۲۲)، پژوهشی با عنوان تاثیر رقابت بر ثبات بانکی، انجام دادند. آنها به بررسی موضوع با استفاده از داده های ۴۶۳۱ بانک بدون ورشکستگی از سال ۲۰۰۲-۲۰۱۷ بر اساس روش رگرسیون حداقل مربعات دو مرحله ای پرداختند. نتایج نشان داد بین رقابت بانکی و ثبات با یک نقطه عطف که در آن شاخص لرنر حدود ۰.۳۵ است، یک رابطه معکوس شکل وجود دارد. علاوه بر این هونگ سون و همکاران (۲۰۲۲)، پژوهشی با عنوان تمرکز، سرمایه و ثبات بانک در کشورهای نوظهور و در حال توسعه، انجام دادند. آنها به بررسی ارتباط تمرکز و سرمایه با ثبات بانک برای ۱۳۳ بازار در حال توسعه و نوظهور برای سال های ۲۰۰۲-۲۰۲۰ با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته پرداختند. نتایج نشان داد بانک هایی که در بازارهای بانکی متمرکزتر فعالیت می کنند، نسبت به بانک هایی که در بازارهای کمتر متمرکز عمل می کنند، باثبات تر هستند، سرمایه به طور قابل توجهی بر ثبات مالی بانک ها در بازارهای در حال توسعه و نوظهور تأثیر می گذارد و نقش سرمایه را به عنوان منبع تأمین مالی مهم در این کشورها برجسته می کند. در نهایت، آدام^۲ و همکاران (۲۰۲۳)، پژوهشی را با عنوان "آزادی اقتصادی، فساد و ثبات بانکی: شواهدی از جنوب صحرای آفریقا"، انجام دادند. هدف این مطالعه بررسی تأثیر آزادی اقتصادی و فساد بر ثبات بانک در جنوب صحرای آفریقا است. این مطالعه از ۳۸ کشور از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۹ انجام شد. نویسندگان دریافته اند که آزادی اقتصادی بیشتر از طریق بهبود ثبات بانک ها، کارایی اقتصادی را افزایش می دهد. علاوه بر این، نویسندگان همچنین دریافته اند که بانک ها در محیط هایی با آزادی تجاری بیشتر، آزادی مالی، آزادی تجاری و آزادی سرمایه گذاری کمتر مستعد پرداخت بدهی هستند. نتایج همچنین نشان می دهد که فساد باعث افت ثبات بانک ها می شود. نتایج به سیاستگذاران نشان می دهد که آزادی اقتصادی بالا ممکن است سیاست مناسبی برای افزایش ثبات بانک باشد. علاوه بر این، نتایج همچنین به سیاست گذاران پیشنهاد می کند که رسیدگی به موضوعات اصلی را که فساد را برای اخذی رشوه تشویق می کند، در اولویت قرار دهند.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی-کاربردی؛ به لحاظ نوع داده آمیخته اکتشافی^۳ (کیفی-کمی) است. بدین صورت که از نظر داده های اطلاعاتی، این پژوهش ترکیبی اکتشافی است که ضمن عنایت به خبرگان دانشگاهی

¹ Yuan et al

² Adam

³ Exploratory mix

و امور بانکی، به بررسی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص های فساد بانکی، آزادی اقتصادی، قوانین و مقررات و شفافیت، مبادرت ورزیده است. روش پژوهش، در بخش کیفی فراترکیب و تحلیل محتوا متون مصاحبه و همچنین در بخش کمی توصیفی- پیمایشی بود.

در روش‌های پژوهش آمیخته با بررسی جنبه‌های مختلف روش‌های کیفی و کمی و ترکیب این دو امکان پاسخگویی به سؤال‌های پژوهشی در حیطه‌های مختلف فراهم می‌شود. با توجه به مطالب فوق و به منظور بررسی عمیق و شناخت بیشتر موضوع، ابتدا با روش فراترکیب به مطالعه ادبیات و پیشینه مرتبط پرداخته شد، سپس از مصاحبه و روش تحلیل مضمون به مثابه تکنیکی پژوهشی برای درک بیشتر و شناسایی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد فساد بانکی، آزادی اقتصادی، قوانین و مقررات و شفافیت، سودآوری استفاده شد، در ادامه الگوی پژوهش طراحی و اعتبارسنجی شد و در نهایت پرسشنامه تدوین شد و از رویکردهای کمی برای تأیید نتایج کیفی و آزمون الگو بهره برده شد. جامعه مورد مطالعه در بخش کیفی شامل مبانی نظری و پیشینه‌های مرتبط در پایگاه‌های داده داخلی و خارجی و همچنین خبرگان دانشگاهی و صاحب‌نظران امور بانکی و مالی بود. در بخش کمی، جامعه مورد مطالعه شامل اساتید دانشگاه آزاد و مدیران بانکی ایران بود. حجم نمونه در بخش کیفی و تحلیل محتوا، با استفاده از اصل اشباع و روش نمونه‌گیری هدفمند، شامل ۱۵ مصاحبه‌شونده بود.

برای انتخاب خبرگان دانشگاهی و صاحب‌نظران امور بانکی و مالی به عنوان مصاحبه‌شوندگان در پژوهش و برای درک بیشتر و شناسایی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد فساد بانکی، آزادی اقتصادی، قوانین و مقررات، شفافیت و سودآوری، باید معیارهای زیر در نظر گرفته شوند:

- ۱) تخصص علمی و تحصیلات: خبرگان باید دارای تحصیلات عالی مرتبط با رشته‌های مالی، بانکی، اقتصاد یا حقوق باشند. داشتن مدارک تحصیلی در مقاطع دکتری یا فوق‌لیسانس در این زمینه‌ها می‌تواند نشانه‌ای از سطح تخصص آن‌ها باشد.
- ۲) تجربه عملی در صنعت بانکی: افراد باید حداقل چندین سال تجربه کاری در زمینه‌های مرتبط با بانکداری، مالی، یا نظارت بر مؤسسات مالی داشته باشند. این تجربه می‌تواند شامل کار در بانک‌ها، مؤسسات مالی، نهادهای نظارتی یا مشاوره در حوزه مالی باشد.
- ۳) مشارکت در پژوهش‌های مرتبط: خبرگان باید سابقه‌ای از نگارش مقالات علمی، شرکت در کنفرانس‌ها و سمینارهای مرتبط با موضوعات فساد بانکی، شفافیت و قوانین و مقررات داشته باشند. این مشارکت نشان‌دهنده درک عمیق آن‌ها از موضوعات مورد بحث است.
- ۴) دسترسی به اطلاعات و منابع: خبرگان باید به منابع اطلاعاتی معتبر و داده‌های مرتبط با موضوعات مورد نظر دسترسی داشته باشند و توانایی تحلیل و تفسیر این اطلاعات را داشته باشند.
- ۵) توانایی تحلیل و تفکر انتقادی: افراد باید توانایی تحلیل عمیق مسائل و چالش‌های موجود در نظام بانکی را داشته باشند و بتوانند از دیدگاه‌های مختلف به موضوعات نگاه کنند. این توانایی شامل تفکر انتقادی و ارائه راهکارهای عملی است.

- ۶) آگاهی از وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور: خبرگان باید از وضعیت اقتصادی و سیاسی کنونی کشور آگاهی داشته باشند و تأثیرات آن بر سیستم بانکی و مالی را درک کنند. این آگاهی می تواند به تحلیل دقیق تری از چالش ها و مشکلات موجود کمک کند.
- ۷) شبکه سازی و ارتباطات حرفه ای: داشتن ارتباطات گسترده با سایر متخصصان و نهادهای مرتبط می تواند به تبادل نظر و به روزرسانی اطلاعات کمک کند. این شبکه سازی می تواند شامل عضویت در انجمن ها و گروه های حرفه ای باشد.
- ۸) تمایل به مشارکت و تبادل نظر: خبرگان باید علاقه مند به مشارکت در پژوهش ها و تبادل نظر با پژوهشگران و دیگر متخصصان باشند. این تمایل می تواند به بهبود کیفیت مصاحبه ها و افزایش غنای اطلاعات کمک کند.
- ۹) با در نظر گرفتن این معیارها، می توان بهترین خبرگان را برای مصاحبه انتخاب کرد و از تجربیات و دانش آن ها برای طراحی و اعتبارسنجی مدل های مرتبط با موضوع پژوهش بهره برداری کرد.
- در بخش کمی نیز برای محاسبه حجم نمونه از روش محاسبه حداقل حجم نمونه در مدلسازی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. در این راستا کلاین^۱ (۲۰۱۵) در کتاب خود تحت عنوان اصول و تمارین مدلسازی معادلات ساختاری بیان می دارد که برای مدل های ساده، حداقل ۱۰۰ نفر نمونه و برای مدل های پیچیده تر، حداقل ۲۰۰ نفر نمونه مورد نیاز است. همچنین وی در اکثر مقالات و کتب منتشر شده در خصوص حداقل حجم نمونه، زمانی که آزمون آماری تحلیل عاملی تأییدی یا مدل ساختاری باشد، توصیه می کند که حداقل حجم نمونه باید، ۲۰۰ آزمودنی باشد (گودبوی و کلاین^۲، ۲۰۱۷؛ کلاین، ۱۹۹۸، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴، ۲۰۱۸، ۲۰۲۳). سایر نظریه پردازان برجسته و صاحب نظر نیز حداقل حجم نمونه ۲۰۰ نفر را به عنوان یک قاعده عمومی و مناسب برای مدل سازی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی پیشنهاد می کنند (شوقی و کریمی، ۱۴۰۳: ۱۵۷). در لذا در این پژوهش با توجه به استفاده از آزمون مدل ساختاری، ۲۲۰ پاسخ دهنده به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد و پرسشنامه میان آن ها توزیع شد که ۱۰ پرسشنامه به دلیل ناقص بودن کنار گذاشته شد و عملیات آماری بر روی ۲۱۰ پاسخ دهنده انجام شد. لازم به ذکر است که در این پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای برای انتخاب آزمودنی استفاده شد. برای جمع آوری داده ها در بخش کیفی، از اسناد کتابخانه ای و مصاحبه های نیمه ساختاری استفاده شد. در بخش کمی، از یک پرسشنامه محقق ساخته با ۹۸ گویه برگرفته از مبنای نظری، پیشینه پژوهش، مصاحبه با خبرگان و کدگذاری استفاده شد. در بخش کیفی، برای ارزیابی روایی محتوای پایایی با آزمون و توافق بین دو کدگذار استفاده شد و در بخش کمی، برای ارزیابی روایی محتوایی و سازه و همچنین پایایی، از ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد که نتایج نشان دادند ابزارها قابل اعتماد و پایا هستند. در بخش تجزیه و تحلیل داده ها،

^۱ - Kline

^۲ - Goodboy & Kline

در بخش کیفی از تحلیل مضمون با استفاده از نرم افزار Maxqda2020 و در بخش کمی، از آمار توصیفی و استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون، آزمون تی تک نمونه‌ای و مدلسازی معادلات ساختاری) با استفاده از نرم افزارهای SPSS-V23 و Lisrel V8.8 استفاده شد.

در پژوهش حاضر، قلمرو پژوهش شامل موارد زیر است:

- ۱) قلمرو موضوعی: این پژوهش به بررسی رابطه بین مؤلفه های اقتصادی، قوانین و شفافیت با سودآوری بانکها می‌پردازد. مؤلفه های اقتصادی شامل عواملی مانند نرخ بهره، تورم، رشد اقتصادی و سایر شاخص های کلان اقتصادی است. همچنین قوانین به مجموعه مقررات و دستورالعمل‌هایی اشاره دارد که فعالیت های بانکی را تنظیم می‌کنند و شفافیت نیز به میزان وضوح و دسترسی به اطلاعات مالی و عملیاتی بانکها مربوط می‌شود.
- ۲) قلمرو مکانی: قلمرو مکانی این تحقیق به تمامی بانکهای فعال و پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران و همچنین دانشگاه آزاد اسلامی محدود می‌شود.
- ۳) قلمرو زمانی: قلمرو زمانی این پژوهش به دوره زمانی مشخصی که شامل جمع‌آوری داده‌ها (از اواسط تابستان ۱۴۰۲ تا اواخر پاییز ۱۴۰۲) است، محدود می‌شود که این دوره زمانی می‌تواند به درک بهتر تغییرات و روندهای اقتصادی و بانکی در ایران کمک کند.

تعاریف متغیرها:

شاخص سودآوری بانک:

در بسیاری از مطالعات آکادمیک (به عنوان مثال بورك ۱۹۸۹، میلان کورنت و همکاران ۲۰۱۰، کانز و همکاران ۲۰۱۲) مفهوم عملکرد مربوط به مفهوم سودآوری است.

شاخص ثبات بانک:

مسئله ثبات بانک مربوط به توانایی بانک در تحمل حوادث ناگوار مانند بحران های بانکی، تغییرات عمده سیاست ها، آزادسازی بخش مالی و بلایای طبیعی است. (آستریو و همکاران، ۲۰۲۱)

شاخص آزادی اقتصادی:

بنیاد هریتیج آزادی اقتصادی را معیاری می‌داند که برطبق آن افراد آزادانه می‌توانند به تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات بپردازند. آزادی اقتصادی برطبق تعریف موسسه فریزر آن است که افراد جامعه اموالی را که از راه های سالم بدست آورده اند را به راحتی بتوانند استفاده و مبادله کنند، بدون اینکه این آزادی متعرض حقوق دیگران شود. (لین و همکاران^۱، ۲۰۱۶)

^۱ . Lin et al

شاخص فساد مالی:

فساد را می توان به عنوان سوء استفاده از مقام دولتی یا شرکتی برای منافع خصوصی تعریف کرد. در بخش بانکی، فساد مالی به اقدامات غیرصادقانه مدیران بانک و مقامات بانکی مربوط می شود. (آستریو و همکاران، ۲۰۲۱)

شاخص قوانین و مقررات:

توانایی دولت برای تدوین و فرموله کردن سیاست ها، که اجازه ترویج و توسعه بخش خصوصی را نتیجه می دهد (خسروآبادی و همکاران، ۱۳۹۵).

شاخص شفافیت:

شاخص شفافیت به معنای ملاکها، راهنماها و محک‌هایی اند، که وجود پدیده شفافیت در حکومت را نمایان می‌کنند و به عنوان علامت های مشخص کننده‌ی این مفهوم محسوب می شوند و با کمک این شاخص ها می توان اطلاعات موجود را طبقه بندی کرد و با استفاده از آن با سرعت و دقت بیشتری به بررسی و تحلیل پدیده‌ی مذکور پرداخت. (حبیب نژاد و عامری، ۱۳۹۵)

یافته‌ها**توصیف آماری متغیرهای پژوهش**

در جدول ۱، شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی مربوط به متغیرهای پژوهش نمایش داده شده است. لازم به ذکر است، کمینه و بیشینه هر یک از متغیرهای زیر به ترتیب ۱ و ۵ می‌باشد.

جدول ۱- مشخصه‌های آماری متغیرهای پژوهش

سازه	بعد	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشدگی
سودآوری	عوامل کلان اقتصادی	۳.۱۸	۰.۸۱	۰.۱۸	-۰.۳۷
	رفتار مشتریان	۳.۱۳	۰.۸۴	۰.۲۰	-۰.۴۷
	ساختار درآمد	۳.۳۷	۰.۸۶	-۰.۱۱	-۰.۵۲
	مدیریت ریسک	۳.۲۱	۰.۷۹	-۰.۰۲	-۰.۱۵
آزادی اقتصادی	اندازه دولت	۳.۲۹	۰.۷۹	-۰.۰۷	-۰.۵۷
	قوانین مالی، بازار کار و تجارت	۳.۳۸	۰.۸۴	-۰.۱۰	-۰.۰۶
	ساختار قانونی امین حقوق مالکیت	۳.۱۴	۰.۷۲	-۰.۰۴	۰.۲۴
	بازارهای آزاد	۳.۲۶	۰.۷۵	-۰.۱۹	۰.۴۷
	پول سالم	۳.۱۵	۰.۷۸	-۰.۲۱	۰.۲۹

سازه	بعد	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
قوانین و مقررات	محدودیت های کلی در فعالیت های بانکی	۳.۱۷	۰.۸۱	۰.۰۸	۰.۰۹
	تنگنای سرمایه	۳.۲۳	۰.۷۶	۰.۰۵	۰.۰۷
	محدودیت سرمایه	۳.۲۲	۰.۷۹	-۰.۰۶	۰.۲۲
	قدرت نظارت رسمی	۳.۱۹	۰.۷۷	-۰.۰۳	۰.۳۴
شفافیت	افشای نسبت های مالی	۳.۳۹	۰.۶۳	-۰.۲۵	۰.۳۵
	عوامل سازمانی	۳.۲۷	۰.۸۶	-۰.۰۹	-۰.۲۴
	عوامل فردی	۳.۴۱	۰.۶۶	-۰.۲۷	۰.۴۹
	قوانین و استانداردها	۳.۳۴	۰.۷۳	-۰.۱۸	۰.۲۱
	نگرش کارکنان	۳.۲۸	۰.۹۳	۰.۱۳	-۰.۳۸
فساد مالی	توانمندسازی کارکنان	۳.۴۴	۰.۶۹	-۰.۲۶	۰.۴۱
	عوامل فردی	۳.۱۶	۰.۷۵	-۰.۱۲	-۰.۲۶
	عوامل اقتصادی	۳.۴۳	۰.۷۷	-۰.۰۸	۰.۱۲
	عوامل سازمانی	۳.۲۴	۰.۷۹	-۰.۱۵	۰.۱۹

منبع: یافته های پژوهشگر

اطلاعات جدول یک مشخصه های آماری همچون میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی را برای متغیرهای پژوهش نشان می دهد. همچنین، با توجه به مقادیر چولگی و کشیدگی که در بازه ی معقول (۲- و ۲) برای حدس بر نرمال بودن داده ها قرار دارند، می توان فرض نرمال بودن داده ها را مطرح کرده و پذیرفت که با توجه به نتایج فوق در سودآوری بیشترین میانگین مربوط به ساختار درآمد و کمترین میانگین مربوط به رفتار مشتریان، در آزادی اقتصادی بیشترین میانگین مربوط به قوانین مالی، بازار کار و تجارت و کمترین میانگین مربوط به ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت، در خصوص قوانین و مقررات بیشترین میانگین مربوط به تنگنای سرمایه و کمترین میانگین مربوط به محدودیت های کلی در فعالیت های بانکی، در شفافیت بیشترین میانگین مربوط به توانمندسازی کارکنان و کمترین میانگین مربوط به عوامل سازمانی و در فساد مالی بیشترین میانگین مربوط به عوامل اقتصادی و کمترین میانگین مربوط به عوامل فردی است. نرمال بودن داده های مربوط به متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون کولموگروف- اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول زیر منعکس شده است.

جدول ۲- خلاصه آزمون کولموگروف- اسمیرنوف

سازه	بعد	آماره آزمون	سطح معناداری
سودآوری	عوامل کلان اقتصادی	۰.۴۹۸	۰.۲۶۹
	رفتار مشتریان	۰.۵۲۱	۰.۲۴۸
	ساختار درآمد	۰.۶۳۷	۰.۲۱۵
	مدیریت ریسک	۰.۷۴۹	۰.۱۹۸
آزادی اقتصادی	اندازه دولت	۰.۶۸۱	۰.۲۰۹
	قوانین مالی، بازار کار و تجارت	۰.۵۱۷	۰.۲۵۲
	ساختار قانونی امین حقوق مالکیت	۰.۴۹۵	۰.۲۷۴
	بازارهای آزاد	۰.۵۱۴	۰.۲۵۹
قوانین و مقررات	پول سالم	۰.۵۲۶	۰.۲۴۱
	محدودیت های کلی در فعالیت های بانکی	۰.۶۲۴	۰.۲۱۸
	تنگنای سرمایه	۰.۶۹۵	۰.۲۰۵
	محدودیت سرمایه	۰.۵۹۵	۰.۲۲۱
شفافیت	قدرت نظارت رسمی	۰.۵۰۸	۰.۲۶۴
	افشای نسبت های مالی	۰.۵۳۱	۰.۲۳۸
	عوامل سازمانی	۰.۶۴۶	۰.۲۱۳
	عوامل فردی	۰.۷۲۲	۰.۲۰۳
	قوانین و استانداردها	۰.۷۶۱	۰.۱۹۱
	نگرش کارکنان	۰.۴۹۱	۰.۲۸۱
فساد مالی	توانمندسازی کارکنان	۰.۵۰۱	۰.۲۶۵
	عوامل فردی	۰.۵۳۹	۰.۲۳۲
	عوامل اقتصادی	۰.۵۶۸	۰.۲۲۴
	عوامل سازمانی	۰.۷۳۴	۰.۲۰۱

منبع: یافته های پژوهشگر

چنانکه در اطلاعات جدول دوم مشاهده می شود، سطح معنی داری آماره ی آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای هر متغیر بزرگتر از ۰.۰۵ است، لذا فرض صفر (نرمال بودن داده ها) تأیید و فرض مقابل رد می گردد. یعنی، داده ها از توزیع نرمال برخوردار هستند.

• تحلیل عاملی تاییدی سودآوری

مدل سودآوری توسط ۱۸ شاخص اندازه گیری می شود. ابتداء، آزمون تحلیل عاملی تاییدی بر روی متغیر سودآوری انجام شد. برآوردهای پارامتر استاندارد شده در شکل زیر نشان می دهد که همه شاخص ها از لحاظ آماری معناداری هستند و بارهای عاملی آن در سطح بالایی قرار دارند. بررسی نتایج شاخص های برازش حاکی از برازش مناسب مدل می باشد.

جدول ۳- گویه های تأیید شده سودآوری

مؤلفه	برچسب	گویه	برچسب گویه	بارهای عاملی	مقدار t	وضعیت گویه
عوامل کلان اقتصادی	SO_K	۱	K1	۰.۶۴	۱۹.۱۵	تأیید شد
		۲	K2	۰.۶۹	۱۹.۳۲	تأیید شد
		۳	K3	۰.۷۴	۱۹.۴۱	تأیید شد
رفتار مشتریان	SO_R	۴	R1	۰.۶۵	۱۹.۲۲	تأیید شد
		۵	R2	۰.۶۱	۱۸.۹۱	تأیید شد
		۶	R3	۰.۷۱	۱۹.۳۵	تأیید شد
		۷	R4	۰.۷۵	۱۹.۴۳	تأیید شد
ساختار درآمد	SO_D	۸	D1	۰.۶۶	۱۹.۲۵	تأیید شد
		۹	D2	۰.۷۶	۱۹.۴۶	تأیید شد
		۱۰	D3	۰.۶۲	۱۸.۹۵	تأیید شد
		۱۱	D4	۰.۷۷	۱۹.۴۹	تأیید شد
مدیریت ریسک	SO_M	۱۲	M1	۰.۷۲	۱۹.۳۶	تأیید شد
		۱۳	M2	۰.۶۷	۱۹.۲۶	تأیید شد
		۱۴	M3	۰.۷۸	۱۹.۵۱	تأیید شد
		۱۵	M4	۰.۷۹	۱۹.۵۴	تأیید شد
		۱۶	M5	۰.۶۳	۱۹.۰۸	تأیید شد
		۱۷	M6	۰.۶۸	۱۹.۲۹	تأیید شد
		۱۸	M7	۰.۷۳	۱۹.۳۸	تأیید شد

منبع: یافته های پژوهشگر

همه شاخص ها دارای آماره تی بزرگتر از ۱.۹۶ بودند؛ بنابراین، هیچ کدام از شاخص ها از مدل حذف نمی شوند. از طرفی، بارهای عاملی، شاخصی که بیشترین بار عاملی را داشته باشد، در اندازه گیری متغیر مربوطه سهم بیشتری دارد و شاخصی که ضرایب کوچکتری داشته باشد سهم کمتری را در اندازه گیری سازه

مربوطه ایفا می‌کند. شکل زیر مربوط به مدل نهایی سودآوری است. مقدار کای اسکوتر بر درجه آزادی مدل حاضر ۲.۲۲ و مقدار RMSEA برابر ۰.۰۵۱ می‌باشد.

قبل از اجرای مدل‌سازی معادلات ساختاری، با توجه به اینکه مقیاس اندازه‌گیری فاصله‌ای بود و همچنین توزیع داده‌ها نرمال بود از آزمون‌های پارامتریک مناسب از جمله آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول چهارم آورده شده است.

جدول ۴- همبستگی بین عوامل

سودآوری		
**۰.۶۶۷	همبستگی	آزادی اقتصادی
۰.۰۰۰	سطح معناداری	
**۰.۷۰۱	همبستگی	قوانین و مقررات
۰.۰۰۰	سطح معناداری	
**۰.۸۱۱	همبستگی	شفافیت
۰.۰۰۰	سطح معناداری	
**۰.۶۵۴	همبستگی	فساد مالی
۰.۰۰۰	سطح معناداری	

منبع: یافته های پژوهشگر

همان‌طور که از جدول چهارم مشخص است، علامت ** نشان‌دهنده وجود همبستگی بین متغیرهای پژوهش در سطح ۰.۰۱ را نشان می‌دهد. یعنی، بین متغیرها رابطه مستقیم وجود دارد. شدت رابطه نیز از جدول فوق قابل مشاهده است

جدول ۵- گزیده‌ای از شاخص‌های برازش مهم مدل

شاخص	نام شاخص	اختصار	مقدار	برازش قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	سطح تحت پوشش (کای اسکوتر)	-	۱۵۲۵.۹۷	
	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰.۹۸	بزرگتر از ۰.۹
شاخص‌های برازش تطبیقی	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	۰.۹۵	بزرگتر از ۰.۹
	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰.۹۸	بزرگتر از ۰.۹
شاخص‌های برازش مقتصد	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰.۰۷۸	کمتر از ۰.۱

همانگونه که مشاهده می شود شاخص های برازش الگو در وضعیت مطلوبی قرار گرفته است. همچنین در جدول زیر ضرایب مسیر به همراه مقادیر معناداری آورده شده است.

جدول ۶- ضرایب مسیر، مقادیر معناداری و وضعیت آنها

وضعیت	مقدار تی	ضریب مسیر	مسیر	
تأیید شد	۲۰.۶۴	۰.۹۷	←	فساد مالی
تأیید شد	۲۰.۵۶	۰.۹۶	←	آزادی اقتصادی
تأیید شد	۱۹.۹۴	۰.۸۸	←	قوانین و مقررات
تأیید شد	۱۹.۵۹	۰.۸۲	←	شفافیت

منبع: یافته های پژوهشگر

در جدول ششم، همان طور که ملاحظه می شود، همه مسیرها مورد پذیرش قرار گرفته شده است.

۵. نتیجه گیری

از آنجا که هدف اصلی این پژوهش تبیین رابطه بین فساد مالی، آزادی اقتصادی، قوانین و مقررات و شفافیت با سودآوری بانکهای پذیرفته شده در بازار سرمایه ایران است، به منظور شناخت بهتر موضوع در زمینه سودآوری بانکهای پذیرفته شده در بازار سرمایه ایران و همچنین شناسایی ابعاد و مؤلفه های آن ها، مصاحبه های نیمه-ساختار یافته به صورت انفرادی با خبرگان، متخصصین و افراد آگاه به امر انجام شد. این متخصصین و پژوهشگران در کل به صورت هدفمند انتخاب شده بودند. معیار تعداد انتخاب مشارکت کنندگان اصل اشباع نظری بود. به عبارتی انتخاب افراد تا زمانی ادامه پیدا می کرد که اطلاعات جدیدی به اطلاعات قبلی اضافه نگردد. در پژوهش حاضر معیار اعتبار پذیری تا حد امکان رعایت شد. بدین شکل که پژوهشگر در تمام مراحل پژوهش، هدف و سؤال پژوهش را در نظر داشت و خط مشی خود را بر اساس آن تعیین کرد تا دسترسی به اطلاعات معتبر از مصاحبه شونده ها را مقدور سازد؛ پژوهشگر نتایج تحلیل داده های خود را به خبرگان امر ارائه می کرد و نظر آنان را جویا می شد؛ پژوهشگر طی فرآیند جمع آوری و تحلیل داده ها دیدگاه و استراتژی خود را مورد بازبینی قرار داد. همچنین، در این پژوهش نیز تلاش شد تا اصل اعتماد تا حد امکان رعایت شود. مراحل انجام پژوهش و تحلیل داده ها به روشنی توصیف شد تا هر خواننده و منتقدی بتواند آن را مورد حسابرسی قرار دهد. در پژوهش کنونی از پایایی بازآزمون و روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی تحلیل متون انجام گرفته استفاده شد. در نهایت شاخص هایی شناسایی شد که به صورت پرسشنامه محقق ساخته در اختیار خبرگان دانشگاهی و سازمانی قرار گرفت. برای حصول اطمینان از روایی ابزار در بخش کیفی پژوهش و به منظور اطمینان خاطر از دقیق بودن یافته ها از دیدگاه پژوهشگر، از نظرات ارزشمند اساتید آشنا با این حوزه و متخصصان دانشگاهی که در این حوزه

خبره و مطلع بودند استفاده شد. هم‌چنین به‌طور هم‌زمان از مشارکت‌کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد. در پژوهش کنونی از پایایی بازآزمون و روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام گرفته استفاده شد. به منظور تعیین روایی پرسشنامه از روایی ظاهری، محتوایی و سازه استفاده شد. در این پژوهش پایایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی محاسبه شد. روش تحلیل داده‌ها کدگذاری نظری بود. مراحل کدگذاری مورد استفاده در این تحقیق شامل کدگذاری باز و محوری می‌باشد. در بخش استنباطی برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش از آزمون‌هایی نظیر آزمون تی تک نمونه‌ای، تحلیل عاملی تاییدی با استفاده از نرم‌افزار LISREL نیز بهره گرفته شد.

همانگونه که بررسی‌ها نشان داد، فساد مالی دارای ۳ مؤلفه (عوامل فردی، عوامل اقتصادی و عوامل سازمانی) است. در این پژوهش عوامل فردی شامل؛ پایبندی اعتقادی، ویژگی شخصیتی، سبک رهبری، کیفیت زندگی کاری می‌باشد. عوامل اقتصادی بر اساس نتایج پژوهش، شامل قوانین مالیاتی، درآمد نفتی، اندازه دولت و انحصار دولتی می‌باشد. عوامل سازمانی بر اساس نتایج پژوهش نشان داد که این عامل شامل؛ نظام حقوق و دستمزد، نظام کنترل و نظارت و شیوه های کاری می‌باشد. عوامل فردی، به عنوان یکی از مولفه‌های موثر بر فساد مالی در بانکها، به ویژگی‌ها و رفتارهای افراد در سازمان مرتبط با بانکها اشاره دارد که ممکن است فساد مالی را تسهیل کنند یا مهار کنند. افرادی که اخلاقیات مالی را رعایت می‌کنند، احتمالاً کمتر به فساد مالی متوجه می‌شوند. افرادی که از مسئولیت‌پذیری خودآگاهی دارند، ممکن است تمایل کمتری به شرکت در فعالیت‌های فسادآمیز داشته باشند. پایبندی اعتقادی، به آن دسته از باورها، نگرش‌ها و ارزش‌های فرد گفته می‌شود که نشان‌دهنده حساسیت و تعهد فرد به قوانین، اخلاق و عدالت هستند. قوانین مالیاتی نقش مهمی در تنظیم و کنترل جریان‌های مالی دارند. اگر قوانین مالیاتی شفاف، عادلانه و اجرایی نباشند، ممکن است باعث افزایش فرار مالیاتی، پول‌شویی، رشوه‌خواری و سایر اشکال فساد مالی شوند. برای جلوگیری از این مشکلات، لازم است قوانین مالیاتی با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی هر کشور طراحی و اجرا شوند (لی و همکاران، ۲۰۲۱). عوامل سازمانی به آن دسته از عواملی گفته می‌شود که با ساختار، فرهنگ، نظام و روش‌های کاری سازمان‌های مالی در ارتباط هستند و می‌توانند تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر فساد مالی داشته باشند. همان‌گونه که بررسی‌ها نشان داد، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آزادی اقتصادی دارای ۵ مؤلفه (اندازه دولت، قوانین مالی، بازار کار و تجارت، ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت، بازارهای آزاد و پول سالم است). اندازه دولت در این پژوهش شامل؛ درصد رشد تولید ناخالص داخلی، حجم یارانه‌ها، سرمایه‌گذاری دولت، نرخهای مالیات بر درآمد و حقوق می‌باشد. اندازه دولت و آزادی اقتصادی به طور مستقیم با یکدیگر مرتبط هستند و حجم و نوع مداخلات دولتی در اقتصاد می‌تواند تأثیر زیادی بر آزادی اقتصادی داشته باشد. اندازه دولت به عنوان نسبت حجم مداخلات دولتی به اقتصاد به طور کلی می‌تواند تأثیر مستقیمی بر آزادی اقتصادی داشته باشد. قوانین مالی، بازار کار و تجارت در این پژوهش شامل؛ میزان مشارکت بانکهای خصوصی و خارجی، محدودیت نرخ سود بانکی، سهم سپرده‌ها در بانکهای خصوصی، محدودیت در قوانین دستمزد

و اخراج نیرو، سهم اشتغالزایی دولت می‌باشد. قوانین مالی، بازار کار و تجارت به طور قابل توجهی بر آزادی اقتصادی تأثیر می‌گذارند. (موسسه فریزر، ۲۰۰۵) ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت و مولفه‌های آن، که شامل استقلال دستگاه قضایی، حمایت از مالکیت معنوی و یکپارچگی دستگاه قضایی است، تأثیر مهمی بر آزادی اقتصادی دارد. بازارهای آزاد در این پژوهش شامل؛ مالیات و تعرفه‌های گمرکی، موانع تجاری قانونی، تفاوت، نرخ ارز رسمی و بازار سیاه، کنترل بازار سرمایه و حجم بخش تجارت، می‌باشد. پول سالم در این پژوهش شامل؛ رشد نقدینگی، آزادی مالکیت ارزهای خارجی، نرخ تورم فعلی، تغییر تورم در پنج سال اخیر می‌باشد.

بر اساس یافته‌ها مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قوانین و مقررات دارای ۴ مؤلفه (محدودیت‌های کلی در فعالیت‌های بانکی، تنگنای سرمایه، محدودیت سرمایه و قدرت نظارت رسمی است. محدودیت‌های کلی در فعالیت‌های بانکی در این پژوهش شامل؛ دلالی و معامله در اوراق بهادار، فعالیت‌های بیمه‌ای (درگیری بانکها در زمینه پذیره نویسی و فروش بیمه) و فعالیت‌های املاک و مستغلات (سرمایه گذاری، توسعه و مدیریت املاک و مستغلات توسط بانک‌ها)، می‌باشد. این محدودیت‌ها به بانک‌ها کمک می‌کنند تا ریسک‌های مالی را مدیریت کرده، اعتماد عمومی را حفظ کنند، و همچنین از سوءاستفاده‌ها و نقض حریم خصوصی مشتریان جلوگیری کنند. علاوه بر این، محدودیت‌ها به منظور جلوگیری از استفاده از فعالیت‌های بانکی برای تأمین منابع غیرقانونی، حفظ استحکام سیستم بانکی و جلوگیری از فروپاشی آن نیز تعیین می‌شوند. در کل، این محدودیت‌ها هدف اصلی خود را در حفظ منافع عمومی، اعتماد عمومی در حوزه بانکی و تنظیم صحیح بازارها و فعالیت‌های مالی دنبال می‌کنند. تنگنای سرمایه در این پژوهش شامل؛ آیا نیازهای سرمایه برخی عناصر ریسک را منعکس می‌کند؟ و آیا نیازهای سرمایه برخی از ضررهای ارزش بازار را از سرمایه قبل از تعیین حداقل کیفیت سرمایه کسر می‌کند؟ می‌باشد. تنگنای سرمایه به وضعیتی اشاره دارد که سرمایه یک بانک برای پاسخگویی به نیازهای مالی و ریسک‌های مختلف کافی نباشد. محدودیت سرمایه در این پژوهش شامل؛ آیا ممکن است از بودجه خاصی برای سرمایه‌گذاری اولیه در یک بانک استفاده شود؟ می‌باشد. محدودیت سرمایه می‌تواند تأثیر مهمی بر قوانین و مقررات مالی و بانکی داشته باشد. این تأثیرات شامل الزامات سرمایه‌گذاری اولیه برای بانک‌ها، نیاز به دریافت مجوزهای نظارتی، تأثیر بر سرمایه‌گذاران و سهامداران بانک، و الزامات مالی و بانکی می‌شود. الزامات سرمایه‌گذاری اولیه شامل معیارهایی مانند سرمایه حداقلی مورد نیاز برای تأسیس بانک و نسبت سرمایه به دارایی‌ها می‌باشد. قدرت نظارت رسمی در این پژوهش به مفهوم اینکه آیا مقامات نظارتی اختیار انجام اقدامات خاص برای جلوگیری و اصلاح مشکلات را دارند؟ می‌باشد. قدرت نظارت رسمی به مقامات نظارتی اجازه می‌دهد تا اقدامات خاصی را برای جلوگیری و اصلاح مشکلات و نقائص در قوانین و مقررات انجام دهند. این اقدامات شامل تعیین الزامات دقیق، انجام تفتیش و بازرسی، تحریم‌ها و جریمه‌ها، و همکاری با سایر نهادها می‌شود (تانر و همکاران، ۲۰۲۲).

مؤلفه های تشکیل دهنده شفافیت دارای ۶ مؤلفه است. افشای نسبت های مالی در این پژوهش شامل؛ اندازه شرکت، نسبت نقدینگی، نسبت های سودآوری، سن شرکت، اهرم مالی می باشد. افشای نسبت های مالی به معنای افشای اطلاعات مالی و مالیاتی یک سازمان به صورت عمومی است. این اطلاعات شامل جزئیاتی مانند درآمدها، هزینه ها، دارایی ها، بدهی ها و سایر عوامل مالی است. این افشا، تأثیر مهمی بر شفافیت مالی دارد و به سهامداران، سرمایه گذاران و عموم جامعه اطلاعات لازم را درباره عملکرد مالی سازمان ارائه می دهد. عوامل سازمانی در این پژوهش عوامل سازمانی شامل؛ فرهنگ سازمانی، ساختار سازمانی، پاسخگویی سازمانی، سیستم اطلاعات سازمانی، جو سازمانی، انضباط مالی می باشد. عوامل فردی در این پژوهش شامل؛ تخصص حسابرسان، سطح تحصیلات کارکنان امور مالی، تجربه کارکنان امور مالی، تعداد کارکنان امور مالی می باشد. در این پژوهش قوانین و استانداردها شامل؛ استفاده از استانداردهای حسابداری، استفاده از سیستم گزارشگری مالی، طبقه بندی درآمدها و هزینه ها، گزارش های دوره ای به سهامداران می باشد. در این پژوهش نگرش کارکنان شامل؛ مشارکت سازمانی، اعتماد سازمانی، تعهد کارکنان امور مالی، مسئولیت پذیری کارکنان می باشد. در این پژوهش توانمند سازی کارکنان شامل؛ آموزش کارکنان بخش مالی، به اشتراک گذاشتن اطلاعات سازمانی و دریافت بازخورد عملکرد می باشد.

بر اساس نتایج پژوهش، عوامل تشکیل دهنده سودآوری دارای ۴ مؤلفه است. در این پژوهش، عوامل کلان اقتصادی شامل؛ سیاست پولی، سیاست مالی، چرخه تجاری می باشد. عوامل کلان اقتصادی مانند سیاست پولی، سیاست مالی و چرخه تجاری تأثیر قابل توجهی بر سودآوری دارند. در این پژوهش رفتار مشتریان شامل؛ الگوی واریز و برداشت، تقاضا و رفتار پرداخت وام، ارتباطات شخصی، بانکداری آنلاین می باشد. رفتار مشتریان و مولفه های آن، از جمله الگوی واریز و برداشت، تقاضا و رفتار پرداخت وام، ارتباطات شخصی و بانکداری آنلاین، تأثیر قابل توجهی بر سودآوری دارند. در این پژوهش ساختار درآمد شامل؛ سود حاصل از وام به مشتریان، نرخ بهره، درآمد بدون بهره از کارمزد، کمیسیون، صرافی و غیره، حاشیه سود خالص که تفاوت بین سود به دست آمده و پرداخت شده است می باشد. مدیریت ریسک این پژوهش شامل؛ مدل های اعتبارسنجی، استانداردهای تحت نظارت وام، ریسک نرخ بهره، ریسک تبادل نرخ ارز خارجی، پیش بینی جریان نقدی، برنامه اضطراری تأمین مالی، تدابیر پیشگیری از تقلب می باشد.

در آخر می توان گفت نتایج حاصل از این پژوهش با یافته های پژوهش رامونی-پرازی و رومرو^۱ (۲۰۲۲)، بلتر و همکاران (۲۰۲۲)، آستریو و همکاران (۲۰۲۱)، لی و همکاران (۲۰۲۱)، تانر و همکاران (۲۰۲۲)، کلین^۲ (۲۰۱۹) و قائمی و همکاران، (۱۳۹۹) هماهنگ و هم راستا می باشد.

¹ Ramoni-Perazzi & Romero

² Klein

نتایج نشان داد مدل تحقیق از برازش مطلوبی برخوردار است و خبرگان حوزه این عامل را تأیید کرده‌اند. یافته‌های حاصل از تحقیق حاضر نشان می‌دهد که جهت سودآوری بانک، باید از الگوی پیشنهادی این پژوهش و به ترتیب سطوح مختلف آن عمل نمایند. به همین منظور باید مأموریت‌ها، رسالت و اهداف سازمانی را به طور روشن و شفاف مشخص نمایند و راهبردها و برنامه‌های کلی سازمان و همچنین الگوی روابط بین واحدها را به روشنی تعریف نمایند و حیطة نظارت را در سازمان و مشخص کنند تا کارکنان بتوانند وظایف خود را به درستی اعمال نمایند. الگوی ارائه شده در این تحقیق بدین جهت پیشنهاد می‌شود که در سطح اساتید مطرح دانشگاهی و خبرگان حوزه مالی، اقتصاد و بانکداری، صورت گرفته و با توجه به اینکه این افراد در حوزه مالی، بانکداری نقش بسزایی دارند، می‌توان بر نتایج این تحقیق اعتماد کرد. همچنین مؤلفه‌ها و ابعاد تحقیق علاوه بر نظرات افراد خبره توسط ادبیات تحقیق نیز پشتیبانی می‌شوند که می‌توان بر صحت و دقت این اطلاعات تأکید کرد. همچنین برازش مدل با تکیه بر اعتباریابی روایی، نشان دهنده اعتبار بالای سازه و روابط منطقی میان شاخص‌ها و ابعاد تحقیق است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، چند پیشنهاد به پژوهشگران آینده مطرح می‌شود:

- استفاده از الگوریتم‌های یادگیری عمیق برای تشخیص فساد در سامانه‌های مالی ایران.
- تحلیل تطبیقی الزامات گزارشگری مالی و شفافیت در بانک‌های ایران و کشورهای منتخب.
- شناسایی راهکارهای اجرایی برای کاهش فساد مالی در سیستم بانکی ایران.

فهرست منابع

- امیر حسینی، ز.، توانایی فر، ا.، & اکرم، (۱۳۹۹). شناسایی به‌موقع زبان‌ها، احتمال توقف پروژه‌های شرکت و سودآوری. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۲(۴۶)، ۲۳۳-۲۵۸.
- انگجی، امیر رضا. (۱۴۰۱). نقش و اهمیت بازار سرمایه در توسعه اقتصادی. روزنامه دنیای اقتصاد. بازیابی شده از: <https://www.magiran.com/article/4329324>
- جلالی نظری، حیدرزاده و سعیدنیا. (۱۴۰۲). بانکداری نوین مشتری مدار: رویکردها، چالش‌ها و الگوها. دانش سرمایه‌گذاری، ۱۲(۴۶)، ۵۸۳-۶۱۲.
- ذالبدگی دارستانی، حسام (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر ثبات در شبکه بانکی ایران. فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی، دوره ۷، شماره ۲، ص ۳۰۷-۳۲۷.
- رجائی باغ سیائی و صفائی ایلخچی. (۱۴۰۰). تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی و صکوک بر سودآوری بانک‌های ایران. دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد اسلامی، ۱۸(۳۶)، ۱۰۹-۱۲۵.
- رحمانی، محمد پورزندی و کرامتی. (۱۴۰۲). تبیین اثرات زیان پرداخت وام و هزینه سپرده بر رشد سودآوری بانک. دانش سرمایه‌گذاری، ۱۲(۴۸)، ۳۱۱-۳۲۸.

- زارع، محمدرضا. (۱۴۰۳). بررسی شاخص های موثر بر سودآوری سیستم های بانکی ایران. پژوهشهای جدید در مدیریت و حسابداری، ۹۰(۱۰)، ۴۵۱-۴۶۶.
- فرمان آرا، وحید؛ کمیجانی، اکبر، فرزین وش، اسدالله و غفاری. فرهاد (۱۳۹۸). نقش بازار سرمایه در تامین مالی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی ایران و منتخبی از کشورهای در حال توسعه). فصلنامه اقتصاد مالی، سال ۱۳، شماره ۴۷، ص ۱۹-۲۷.
- فلاحی، اکرم؛ آسایش، حمید؛ طغیانی، مهدی؛ زاهد قروی، مهدی (۱۴۰۱). سازوکار اثرگذاری جهش نرخ ارز و بحران مالی جهانی بر ثبات مالی سیستم بانکداری دولتی با بهره گیری از مدل گیرتون و روپر. نظریه های کاربردی اقتصاد، دوره ۱، شماره ۱، ص ۲۰۷-۲۳۸.
- قائمی اصل، مهدی و والئی، فیروز (۱۳۹۹). بررسی تأثیر فساد اداری بر سلامت مالی در نظام بانکی ایران. فصلنامه پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، دوره ۲۰، شماره ۲، ص ۱۷۷-۲۱۲.
- کاویانی، تلکانی. (۱۴۰۱). تأثیر سودآوری و ثبات بخش بانکی بر رشد اقتصادی ایران. مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، ۲۱(۸)، ۳۷-۵۶.
- لکی و باقری پرمهر، شعله. (۱۴۰۲). بررسی نقش تحریم های اقتصادی بر تعامل شاخص سلامت بانکی و سودآوری بانکها. فصلنامه مطالعاتی در مدیریت بانکی و بانکداری اسلامی، ۹ (بهار)، ۱۰۱-۱۲۴.
- مسیبی بهروز، ع.، حاجی حسنی، ف.، & فرزانه. (۱۴۰۰). پیاده سازی نظام یارانه مستقیم و شاخص های سودآوری در چارچوب نظریه اقتصاد سیاسی. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۳(۵۱)، ۲۱۵-۲۴۰.
- ملانظری، نوری فرد، یداله، قشقایی عبدی، & شقایق. (۱۳۹۴). اثرات متفاوت اندازه شرکت و نوع صنعت بر سودآوری. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۶(۴)، ۱۵۷-۱۸۴.
- Aburime, T. U. (2009). Impact of corruption on bank profitability in Nigeria. *Euro Economica*, 23(2), 50-57.
- Adam, B. M., Sarpong-Kumankoma, E., & Fiador, V. (2023). Economic freedom, corruption and bank stability: evidence from sub-Saharan Africa. *Journal of Financial Crime*.
- Aisen, A. & Veiga, F. (2011). How Does Political Instability Affect Economic Growth? IMF Working Paper, 11(12), 1-28.
- Albulescu, C.T. (2015). Banks Profitability and Financial Soundness Indicators: A Macro- Level Investigation in Emerging Countries. *Procedia Economics and Finance*, 23, 203 - 209.
- Asteriou, D, Pilbeam, k, and Tomuleasa (2021). The impact of corruption, economic freedom, regulation and transparency on bank profitability and bank stability; Evidence from the Eurozone area. For the period 2005-2018.
- Athanasoglou, P. P., Brissimis, S. N., & Delis, M. D. (2008). Bank specific, industry specific and macroeconomic determinants of bank profitability. *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, 18 (2), 121-136.
- Bermpei, T., Kalyvas, A & Nguyen, T. C. (2018). Does institutional quality condition the effect of bank regulations and supervision on bank stability? Evidence from emerging and

- developing economies. *International Review of Financial Analysis*, doi:10.1016/j.irfa.2018.06.002.
- Blatter, M., & Fuster, A. (2022). Scale effects on efficiency and profitability in the Swiss banking sector. *Swiss journal of economics and statistics*.
- Bougatef, K. (2015). The impact of corruption on the soundness of Islamic banks. *Borsa Istanbul Review*, 15(4), 238-295.
- Bougatef, K. (2017). Determinants of bank profitability in Tunisia: Does corruption matter? *Journal of Money Laundering Control*, 20(1), 70-78.
- Carvalho, O., & Pagliacci, C. (2016). Macroeconomic shocks, bank stability and the housing market in Venezuela. *Emerging Markets Review*, 174-196.
- Deris, T. (2021). What explains the low profitability of Chinese banks? *Journal of Banking & Finance*, 33(11), 2080-92.
- Dietrich, A., & Wanzenried, G. (2011). Determinants of bank profitability before and during the crisis: evidence from Switzerland. *J. Int. Financ Mark. Inst. Money*, 21(3), 307-327.
- Elektdag, S., Malik, S., & Mitra, S. (2020). Breaking the Bank? A Probabilistic Assessment of Euro Area Bank Profitability. *Journal of banking & finance*. 6(17): 123-142.
- Gropp, R., Mosk, T., Ongena, S., Simac, I., & Wix, C. (2024). Supranational rules, national discretion: increasing versus inflating regulatory bank capital? *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 59(2), 830-862.
- Hantington, H. (2014) Corruption and foreign direct investment. Evidence from Central and Eastern European States. *CES Working Papers*, 5(3), 311-322.
- Haris, M., Tan, Y., Malik, A., & Ain, Q. U. (2020). A study on the impact of capitalization on the profitability of banks in emerging markets: A case of Pakistan. *Journal of Risk and Financial Management*, 13(9), 217.
- Heffernan, S. A., & Fu, X. (2008). The effects of reform on China's bank structure and performance. *Journal of Banking and Finance*, 33, 39-52.
- Hung Son, T., Dat, N. T., Liem, N. T. (2022). Concentration, capital, and bank stability in emerging and developing countries. *Borsa Istanbul Review*, <https://doi.org/10.1016/j.bir.2022.08.012>.
- Jalilian, H., Kirkpatrick, C., & Parker, D. (2007). The impact of regulation on economic growth in developing countries: a cross-country analysis. *World Dev.* 35, 87-103.
- Klein, P. O., & Weill, L. (2019). Bank Profitability and Economic Growth, EM Strasbourg Business School, University of Strasbourg, *Journal of Monetary Economics*, 1(31), 47-67.
- Le, T. D., & Ngo, T. (2020). The determinants of bank profitability: A cross-country analysis. *Central Bank Review*, 20(2), 65-73.
- Li, X., Feng, H., Zhao, S., & Carter, D. A. (2021). The effect of revenue diversification on bank profitability and risk during the COVID-19 pandemic. *Finance research letters*.
- Nicoletti, A., & Zhu, C. (2023). Economic Consequences of Transparency Regulation: Evidence from Bank Mortgage Lending. *Journal of Accounting Research*, 61(5), 1827-1871.
- Ozili, P. K., & Ndah, H. (2024). Impact of financial development on bank profitability. *Journal of Economic and Administrative Sciences*, 40(2), 238-262.
- Ramoni-Perazzi, J., & Romero, H. (2022). Exchange rate volatility, corruption, and economic growth. *Heliyon*.
- Sinha, P., Sharma, S., & Ghosh, S. (2014). An analysis of competition in the Indian Banking Sector in dynamic panel framework.

- Tanner, C., Linder, S., & Sohn, M. (2022). Does moral commitment predict resistance to corruption? Experimental evidence from a bribery game. *PloS one*.
- Úbeda, F., Mendez, A., & Forcadell, F. J. (2023). The sustainable practices of multinational banks as drivers of financial inclusion in developing countries. *Finance Research Letters*, 51, 103278.
- Yuan, T. T., Gu, X., Yuan, Y., Lu, J., & Ni, B. (2022). Research on the impact of bank competition on stability Empirical evidence from 4631 banks in US. (<http://creativecommons.org/licenses/bync-nd/4.0/>).



Abstract

Providing an explanation of the relationship between economic components, laws and transparency with banks' profitability

Azim Zare¹

Mir Faiz Fallah Shams²

Gholamreza Zamardian³

Received: 01/ October /2024 Accepted: 30/ November /2024

Abstract

The purpose of this research was to explain the relationship between economic components, laws and transparency with banks' profitability. This article was applied in terms of purpose, exploratory in terms of mixed data type, and descriptive-survey in terms of nature. In the qualitative part, the studied population was the theoretical foundations and relevant domestic and foreign backgrounds, academic experts and experts in banking affairs, and in the quantitative part, university professors and bank managers of Iran. 210 people were selected in the qualitative part and content analysis, using the principle of saturation and targeted sampling, and in the quantitative part, using the calculation of the sample size in structural equations and random cluster sampling. To collect data in the qualitative part, library documents and semi-structured interviews were used, and in the quantitative part, a 98-item researcher-made questionnaire was used. In order to analyze the data, thematic analysis was used in the qualitative part and descriptive and inferential statistics (Pearson correlation, sample t-test and structural equation modeling) were used in the quantitative part. The results showed that economic components have a significant effect on banks' profitability.

Keywords: profitability, economic components, transparency

¹ Department of Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author). azimza63@yahoo.com

² Department of Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. fallahshams@gmail.com

³ Department of Financial Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. gh.zomorodian@gmail.com



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی